



میزگرد بررسی تحولات روزنامه‌نگاری در ۱۰ سال اخیر و چالش‌های آینده - بخش اول

# یک دهه با مطبوعات

و

# روزنامه‌نگاری کشور

اشاره:

۱۰ سال اخیر در تاریخ مطبوعات کشور، دهه‌ای پرتب‌وتاب و ماندگار است. مطبوعات در این دوره، نقش‌های متفاوت و گاه متضادی بازی کرده‌اند. از نقش «بازتابی» صرف تا تأثیرگذاری بر تحولات اجتماعی و سیاسی، و تا حدی تعیین جهت و محتوای این تحولات.

روزنامه‌نگاری و روزنامه‌نگاران نیز در این مدت تغییراتی را به خود پذیرفته‌اند و به تبع، داورها و ارزیابی‌های متفاوتی را برانگیخته‌اند. اکنون نسلی جدید از روزنامه‌نگاران که شاید در گذشته، بیشتر مردان سیاست بوده‌اند تا ارتباطات و روزنامه‌نگاری، بر قتل این عرصه نشسته‌اند. برخی این اتفاق را مبارک و در عین حال ضروری می‌پندارند، گروهی آن را یکسره نفی می‌کنند و جمعی معتقد به تلفیق و ترکیب منطقی این دو برای ایجاد تعادل مثبت در روزنامه‌نگاری دوره اصلاحات هستند. به هر روی به هرکدام از این سه دیدگاه که تعلق داشته باشیم یک نکته را نمی‌توان نفی کرد؛ اینکه آنچه در عرصه روزنامه‌نگاری دهه اخیر و به ویژه سه سال اخیر اتفاق افتاده بیش از آنکه محصول یک تحول آمرانه باشد، برخاسته از واقعیت‌ها و پیچیدگی‌ها و نیازهای اجتماعی بوده است. تعمیق و توسعه عرصه‌های اطلاع‌رسانی، خلق فضای عمومی تازه و سالم، نقدپذیر کردن حوزه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی از جمله حوزه قدرت، صراحت و شفافیت، به عرصه کشاندن نخبگان فکری و سیاسی، بالابردن ظرفیت تحلیلی جامعه، آشنی دادن مردم با مطبوعات و دولت، ایفای نقش در فرایند توسعه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، جلب و افزایش اعتماد عمومی، توسعه و بسط حریم آزادی‌ها و... از جمله تحولات و کارکردهای جدید مطبوعات بوده است. البته پاره‌ای ضعف‌ها، اشکال‌ها، خطاها و ندانم‌کاری‌ها نیز در پس این دگرگونی نقش‌ها، قابل ملاحظه‌اند که در قیاس با تحولات مثبت در عرصه مطبوعات، وزن و ثقل برابر ندارند.

رسانه در این شماره که آخرین شماره دهمین سال انتشار آنست (شماره ۴۰، زمستان ۱۳۷۸) و البته با تأخیری ناخواسته، انتشار می‌یابد، میزگردی ترتیب داده است که ترکیب

اصلی آن، صرف‌نظر از یکی دو غایب (از جمله مرحوم دکتر علی‌اسدی) همان ترکیب میزگرد نخستین شماره‌ها در زمستان ۱۳۶۸ است، با این هدف که به ارزیابی دوباره آن نکات و مضامینی بنشیند که در سال ۶۸ به عنوان آسیب‌ها، نارسایی‌ها و کمبودهای اصلی عرصه روزنامه‌نگاری و فعالیت‌های مطبوعاتی کشور مطرح شد و نیز تغییرات و دگرگونی‌های حادث شده در این ده سال را از جهات گوناگون مورد تحلیل و تدقیق قرار دهد.

رسانه بر این اعتقاد است که ارزیابی علمی، کارشناسی و آگاهانه دستاوردها و روندهای ده ساله روزنامه‌نگاری کشور می‌تواند راه رشد و تعالی را برای حرکت‌های بعدی هموار سازد.

در این میزگرد که در دو بخش (شماره ۴۰، زمستان ۱۳۷۸ و شماره ۴۱، بهار ۱۳۷۹) از نظر علاقه‌مندان می‌گذرد. آقایان: دکتر کاظم معتمدنژاد، دکتر نعیم بدیعی، دکتر مهدی محسنیان‌راد، دکتر هادی خانیکی و دکتر محمد مهدی فرقانی شرکت داشتند. با این امید که بتوانیم مشابه چنین نشست‌ها و مباحثی را در شماره‌های آتی نیز پی بگیریم، گزارش نخستین بخش از میزگرد بررسی تحولات روزنامه‌نگاری در دهه اخیر را، مرور می‌کنیم:

دکتر فرقانی: انگیزه‌ای که باعث شد تا

این جلسه در خدمت اساتید باشیم این است که به‌خاطر دارید اولین شماره رسانه را با میزگرد «بررسی وضعیت ارتباطات و مطبوعات» شروع کردیم. در آن مقطع یعنی سال ۶۹، مباحث خوبی از جمله نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری نظام ارتباط جمعی و مطبوعات در جامعه، بحث انتقاد و رابطه متقابل مطبوعات و حکومت مطرح شد که وقتی آن بحث‌ها را مرور می‌کنیم متوجه می‌شویم که آن مباحث با بصیرت و نگاه عمیقی در آن روز مطرح شد. بخشی از انتظارات و کمبودهایی که آن روز مطرح شد، به‌نظر می‌رسد که در طول این ده سال تا حدودی به آنها پاسخ داده شده است. البته در برخی

دیگر از محورها لازم است که امروز تلاش بیشتری برای تحقق آن بکنیم.

محور این میزگرد که برای شماره چهارم رسانه - که آخرین شماره مربوط به پایان دهمین سال انتشار رسانه است - تدارک دیده شده است، به همین موضوع اختصاص دارد و ترکیبی هم که در نظر گرفته شده همان ترکیب است؛ یا یادی از مرحوم دکتر علی‌اسدی که در آن جلسات حضور داشت و از نظرات با ارزش ایشان در آن میزگرد استفاده شد. همین‌طور یادی می‌کنیم از مرحوم منصور حسین‌زاده که در واقع بنیان‌گذار فصلنامه رسانه بود و علاقه و دلسوزی و تلاش و دوندگی او بود که باعث شد ما امروز بتوانیم دهمین سال انتشار رسانه را برگزار کنیم و همین‌طور رهنمودهای استاد ارجمند دکتر معتمدنژاد و اساتید دیگر که فی‌الواقع در طول ده سال گذشته استخوان‌بندی و پایه‌های اصلی این نشریه را تشکیل دادند و با کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم خود سبب شدند که این نشریه روند قابل‌قبولی را طی بکند، هرچند با آن چه که می‌تواند و باید باشد، فاصله دارد ولی سرانجام در این دوره ده‌ساله، روند قابل‌قبولی را پشت سر گذاشته است. موضوع این میزگرد بحث تحولات روزنامه‌نگاری در ده سال گذشته است و وضعیتی که اکنون داریم و مقایسه آن با مقطع ده سال پیش، از نظر تفاوت‌ها، ویژگی‌های مشترک و تحولاتی که صورت گرفته است، و شناسایی جنبه‌های مثبت و منفی آن، تا شاید به‌ما کمک بکند که بتوانیم ان‌شاءالله ده سال بعد هم میزگرد مشابهی را داشته باشیم و به ارزیابی این مقطع و دوره پردازیم.

آن چه که به‌نظر می‌رسد می‌تواند محور بحث قرار بگیرد، بحث جایگاه مطبوعات در جامعه آن روز یعنی ده سال پیش و جامعه امروز است. می‌توانیم مقایسه‌ای داشته باشیم درباره تحولات مطبوعات و جایگاهشان در جامعه، چه در عرصه تحولات اجتماعی و چه در عرصه علم و تکنیک و هنر روزنامه‌نگاری.

از جمله مباحث، تأثیر و تأثر متقابل تحولات سیاسی - اجتماعی و مطبوعات و روزنامه‌نگاری به ویژه در سال‌های اخیر است. اینکه مطبوعات را عامل یا محصول تحول بدانیم قابل بحث است اما به عنوان واقعیت، امروز با فضای تحول یافته و پویایی در عرصه روزنامه‌نگاری و مطبوعات روبه‌رویم به طوری که در بسیاری موارد این مطبوعات‌اند که دستور تحول و توسعه اجتماعی و سیاسی را تعیین می‌کنند، رابطه دولت و مطبوعات، متحول شده و همینطور رابطه مردم با مطبوعات و دولت. اینها بخشی از تحولاتی است که به لحاظ تاریخی می‌بایست مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند، چرا که در تاریخ ما به ویژه در تاریخ مطبوعات کشورمان جای ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. امروز مطبوعات و به ویژه روزنامه‌هایی که دیرپا هم نیستند به نماد تحول‌خواهی و نوجویی اجتماعی و سیاسی تبدیل شده‌اند و به‌طور خلاصه شرایط با آنچه در آغاز انتشار رسانه در سال ۱۳۶۹ و در میزگرد نخستین شماره‌ها مورد بحث قرار گرفت تفاوت‌های جدی و اساسی دارد که در ادامه بحث به پاره‌ای از آنها خواهیم پرداخت. اگر موافق باشید بحث میزگرد را از اینجا شروع کنیم.

**دکتر معتمدنژاد:** خیلی خوشحالیم که ده سال بسیار خوبی را، از زمان آغاز انتشار مجلهٔ رسانه تاکنون، پشت سر گذاشتیم. در تاریخ ایران و در دورهٔ بعد از مشروطیت ما



**■ دکتر معتمدنژاد: من فکر می‌کنم که در سه سال اخیر پدیده جدیدی در ایران - تا آنجا که من اطلاع دارم - اتفاق افتاده و آن نقش مطبوعات در ایجاد یک «فضای عمومی» سالم است.**

کمتر دوره‌ای را داشته‌ایم که از لحاظ پیشرفت مطبوعات و فعالیت‌های مربوط به آن با این دوره قابل مقایسه باشد. برای اینکه دوره‌های مساعد مطبوعاتی قبلی همیشه منقطع و کوتاه بوده است. این دورهٔ ده‌ساله که ما مطرح می‌کنیم، دارای دو مقطع بسیار مهم است. مقطع اول آن از ۱۳۶۹ به بعد است و مقطع اخیر آن پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ شروع می‌شود

**■ فکر می‌کنم اتفاق مهمی که در این ده‌ساله افتاده و شاید همهٔ مسائل دیگر را در ذیل آن بتوان ارزیابی کرد، همان ارتقای جایگاه و نقش مطبوعات در کشور ما باشد.**

**■ آنچه در عرصه روزنامه‌نگاری دهه اخیر و به ویژه سه سال اخیر اتفاق افتاده بیش از آنکه محصول یک تحول آمرانه باشد، برخاسته از واقعیت‌ها و پیچیدگی‌ها و نیازهای اجتماعی بوده است.**

که اکنون ادامه دارد. مقطع اول با آغاز فعالیت مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها و مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها و انتشار مجلهٔ رسانه تحت پوشش معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین برگزاری نخستین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران در اسفند ۱۳۶۹ و نیز تحقیقاتی که در مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها انجام شد، در ۵۰ سال آینده به عنوان یک دوره تحول مثبت مطبوعات و خدمات مربوط به آن معرفی خواهد شد.

در دورهٔ اول - پیش از دوم خرداد ۱۳۷۶ - مطبوعات سیاسی نبودند. خلاء مطبوعات متعدد در دورهٔ جنگ عراق علیه ایران، از سال ۱۳۶۸ با ایجاد معاونت مطبوعاتی کم‌کم جبران شد و افراد بیشتری امکان انتشار روزنامه و مجله پیدا کردند و به این ترتیب، تحت تأثیر توسعهٔ مطبوعات، برای روزنامه‌نگاری تسهیلات بیشتری فراهم شد. جوانان فارغ‌التحصیل رشتهٔ ارتباطات توانستند خیلی بهتر از گذشته در زمینه‌های تخصص خود فعالیت کنند.

در این میان، ایجاد همکاری صمیمانه بین گروه علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی - که جانشین دانشکدهٔ علوم ارتباطات اجتماعی سابق شده بود - و مسئولان و همکاران در مرکز جدیدالتأسیس یادشده از اهمیت خاصی برخوردار است. در ایران این‌گونه تجربه‌ها کمتر وجود داشته است. در گذشته چون این نوع مراکز رقیب محسوب می‌شدند، در برابر آنها کارشکنی می‌شد. اما در این دوره صمیمیت و همکاری بین گروه مذکور و دو مرکز جدید، از عوامل مهم پیشرفت شده است. و دوره‌های آموزش روزنامه‌نگاری و پژوهش‌های تخصصی مطبوعاتی در مرکز یادشده، از همان آغاز با همکاری اعضای گروه علوم ارتباطات صورت گرفت. در دورهٔ اخیر، پژوهش‌ها نیز گسترش بیشتری پیدا کرد و این برای جوامعی مثل جامعهٔ ما، که مشارکت در

این زمینه‌ها کم است فرصت مغتنمی پدید آورد. به موازات فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دو مرکز مذکور، انتشار فصلنامه رسانه به عنوان تنها نشریه تخصصی کشور در رشته ارتباطات، یک خدمت بزرگ علمی محسوب می‌شود. به طوری که ۴۰ شماره منتشر شده این مجله، اکنون، از منابع بسیار مهم و معتبر مطالعات و تحقیقات مطبوعاتی و سایر زمینه‌های ارتباطی در زبان فارسی محسوب می‌شود. تردید نیست که با وجود زحمات و دلسوزی‌های فراوان مسؤولان این مجله در سال‌های اخیر، در صورتی که مجله از یک شورای علمی هم برخوردار می‌بود،

صحنه‌ای است که ایده‌ها و موضوعات مختلف ارتباطات می‌تواند در آن به خوبی مطرح شود به همین دلیل ارزیابی من از نشریه بسیار مثبت است. رسانه از افتتاح تاکنون مسیر تکاملی را طی کرده است. از شماره اول تاکنون و به ویژه در یکی - دوشماره اخیر مقالات وزین و خوبی دارد و آخرین شماره آن روزنامه‌نگاری الکترونیکی، مباحث خوبی را مطرح کرده و بعضی از سوء تفاهات را که در بین جوانان وجود دارد، روشن کرده است. در مجموع ادامه این نشریه و نشریات مشابه می‌تواند به آموزش و پژوهش در این زمینه کمک زیادی بکند.

مجموع به نظر می‌رسد رسانه یک سیر قابل قبول داشته است هرچند ایده‌آل نیست. حال نظر خودتان را در این زمینه به عنوان ناقد مجله بیان بفرمایید.

**دکتر محسنیان‌زاد:** من ابتدا دهمین سالگرد انتشار رسانه را تبریک می‌گویم و عرض کنم کمتر مجله دولتی است که بتواند به طور مستمر منتشر شود با وجودی که مدیران طی این سال‌ها تغییر کرده‌اند ولی نظم آشکاری را در انتشار مجله شاهد بوده‌ایم. درباره آن‌چه که فرمودید، من تصور می‌کنم که هر دو وجه آن وجود دارد. یک وجه سوم هم شاید وجود داشته باشد که بتوان به آن اشاره کرد. به هر حال وقتی رسانه در آن سال‌ها منتشر شد، در فضایی که به شکل‌گیری آن کمک می‌کرد، از کارهای خوبی که در گذشته انجام شده بود و فضایی برای انتشار نداشت، استفاده کرد که اگر شماره‌های سال‌های اول را مرور کنید، آن را خواهید دید. همان‌طور که دکتر بدیعی گفتند پس از مجله تحقیقات روزنامه‌نگاری، دیگر در این حوزه سکوت بود و اگر کاری انجام می‌شد، جای خوبی برای انتشار نداشت. طبیعی است وقتی این مرحله طی شد دیگر خلق چنین آثار ماندگاری، کار می‌برد.

همان‌طور که شما فرمودید با تحولاتی که در ده سال گذشته اتفاق افتاد، گروه تازه‌ای به جمع مخاطبان رسانه افزوده شد: دانشجویان دوره دکتری و کارشناسی ارشد، فارغ‌التحصیلان این رشته و خیل عظیم روزنامه‌نگاران حرفه‌ای که اکنون به کار مشغولند. به هر حال این مجموعه مخاطبان با مخاطبان سال ۶۹ فرق می‌کند. من تصور می‌کنم که سؤال را می‌توان این‌گونه بیان کرد که با تحولاتی که در این ده سال اتفاق افتاد، مجله تا چه اندازه گام به گام با این تحولات جلو آمد شاید ایراد کار در اینجا باشد.

اگر این ده سال را نظام‌مندتر مرور کنیم، بد نیست. ما در سال ۷۰ با اوج تعدد در

■ اکنون نسلی جدید از روزنامه‌نگاران که شاید در گذشته، بیشتر مردان سیاست بوده‌اند تا ارتباطات و روزنامه‌نگاری، بر قتل این عرصه نشسته‌اند.

■ در تاریخ ایران و در دوره بعد از مشروطیت ما کمتر دوره‌ای را داشته‌ایم که از لحاظ پیشرفت مطبوعات و فعالیت‌های مربوط به آن با این دوره قابل مقایسه باشد.

کیفیت مقالات و مطالب آن بالاتر می‌رفت.

**دکتر فرقانی:** آقای دکتر بدیعی! ارزیابی‌تان را از عملکرد رسانه و نقش آن در تولید ادبیات روزنامه‌نگاری، ارتقای نگرش علمی و تبادل تجربیات حرفه‌ای و همچنین مسأله تحولات روزنامه‌نگاری در دهه اخیر بیان بفرمایید.

**دکتر بدیعی:** در مجموع من فکر می‌کنم که انتشار رسانه قدم مثبتی بوده است. ما تا سال ۶۹ مجله تخصصی که بتواند مسائل ارتباطات را مطرح کند نداشتیم. در دوره‌های گذشته، نشریه تحقیقات روزنامه‌نگاری منتشر می‌شد که متوقف شد. انتشار مجله به نظر من هم از نقطه نظر کسانی که در این حرفه کار می‌کنند و هم برای دانشجویان و محققان این رشته بسیار مهم و مفید است، منبعی است که دانشجویان و پژوهشگران می‌توانند از آن استفاده کنند. به هر حال

**دکتر فرقانی:** آقای دکتر محسنیان‌زاد، در خلال برخی اظهارنظرها شنیده می‌شود که رسانه در سال‌های اولیه‌اش غنی‌تر بوده است به نظر من این قضاوت از آنجا ناشی می‌شود که شروع انتشار رسانه، زمانی بود که هیچ نشریه‌ای در این زمینه وجود نداشت. نگرش علمی آنچنان که باید و شاید به این مقوله وجود نداشت و در واقع ادبیاتی نبود که دانشجویان روزنامه‌نگاری و دست‌اندرکاران مطبوعات در فضای آن با هم آشنا شوند. دوره‌های تحصیلات تکمیلی نبود اما پس از ده سال امروز که برمی‌گردیم و به عقب نگاه می‌کنیم با توجه به دوره‌های تحصیلات تکمیلی که وجود دارد، استادانی که هستند و خود روزنامه‌نگاران و ارتقای سطح دانش و بینش و نگرش آنها ارزیابی عالمانه‌تری و در عین حال انتظارات ارتقا یافته‌تری نسبت به سال‌های اولیه از رسانه وجود دارد. در

## ■ در هیچ دهه‌ای از نظر تعدد و کمیت، این تعداد دانشجو و فارغ‌التحصیل در این حوزه نبودند و در هیچ دهه‌ای این تعداد تحقیق

درباره ارتباطات و مطبوعات در ایران انجام نشده بود.

## ■ ما در سال ۷۳ دیدیم که در محتوای مطبوعات ایران سهم مطالب انتقادی بالاست.

تاریخ مطبوعات ایران مواجهیم؛ یعنی در سال ۷۰ نشریات جدیدی وارد بازار شد که تعداد آنها در طول ۱۵۰ سال تاریخ مطبوعات ایران بی‌سابقه بود. وقتی منحنی تحولات را نگاه کنیم می‌بینیم که این منحنی یک مرتبه در سال ۷۰ بسیار بالا رفته است. من این سال را آغاز عصر «تعدد» می‌گویم، البته این تعدد با «تکثر» متفاوت است. عصری بود که تعداد هم‌صدایان و همخوانان خیلی زیاد بود و ما اثر این تعدد را در کار تحقیق سال ۷۳ دیدیم. ما در سال ۷۳ دیدیم که در محتوای مطبوعات ایران سهم مطالب انتقادی بالاست، این جالب توجه است یعنی اگر آگهی‌ها را کسر کنیم، حدود ۹ درصد سطح زیرچاپ مطبوعات ایران را مطالب انتقادی تشکیل می‌داد، اما این مطالب انتقادی درباره اتوبوس، طلاق و از این‌گونه مسائل بود نه مسائل اساسی و پایه‌ای که در سال‌های بعد معلوم شد سکوت آن زمان چه بلایی بر سر این کشور آورده. در واقع سهم مطالب انتقادی حساس و مؤثر بسیار پایین بود چرا که مطبوعات، مطبوعات متعدد بودند. در این شرایط و در این دهه در کنار حضور تعدد مطبوعاتی شاهد حضور چند پدیده مهم و بی‌نظیر دیگر هم بودیم که در دهه‌های دیگر نبود.

در طول هیچ دهه‌ای در تاریخ مطبوعات ایران، تعداد کتابی که در این دهه درباره مقوله ارتباطات منتشر شد، منتشر نشده بود. در هیچ دهه‌ای از نظر تعدد و کمیت، این تعداد دانشجو و

تعداد زیاد نشریه نماینده تکثر نیست. ورود به دهه جدید بدون تحول و تکثر می‌تواند بحران‌زا باشد و اینجاست که این طرف قضیه هم مشکل داریم. مطبوعاتی که پس از ۱۶۰ سال وارد دوره تکثر می‌شوند این وادی را بلد نیستند. این طرف قضیه هم دچار چنین کم‌تجربگی نیز هست و این است که برای ما دلشوره ایجاد می‌کند. چون این طرف بازی، تکثر را بلد نیستند و آن طرف بازی هم بین تعدد و تکثر تفاوت قایل نیستند و این موضوع را بسیار حساس می‌کند. ولی من تصور می‌کنم که دولتمردان ایران یعنی عاقلان آن طرف که انتظار خوشبختی‌داری بیشتری از آنان می‌رود، باید واقعاً تقاص ۱۶۰ سال رفتار حکومت‌ها با مطبوعات ایران را بدهند و اگر این تقاص را ندهند کار درست نمی‌شود باید تقاص بدهند تا یک دوره تجربه را طی بکنند و یاد بگیرند.

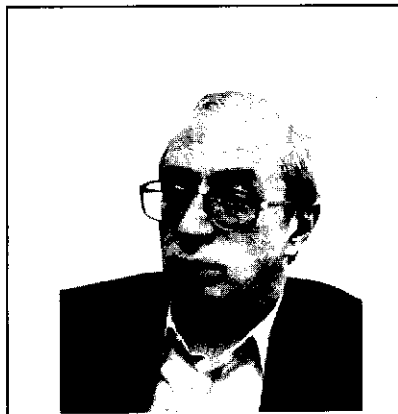
حال سؤال اینجاست که مجله رسانه طی این ده سال پایه‌های تحولات جلو آمده است؟ مجله رسانه با بحرانی که مجله فاراد و گردون برای اولین بار به صورت جدی با آن روبه‌رو شدند، مواجه شد اما بدون شکست از کنار این بحران عبور کرد. در واقع مجله به دلیل این که دولتی است، محققانه تحولات حاد ایجاد شده را نگاه نمی‌کند. شاید این خلاء هست و شاید هم من خیلی آرمانی نگاه می‌کنم.

دکتر معتمدنژاد: آقای دکتر محسنیان‌راد نکته خوبی را در تحلیل تحولات مطرح کردند. در طول دهه‌های مختلف رژیم گذشته و حتی در برخی مقاطع پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مطبوعات ما، نتوانسته‌اند، به نیازهای خوانندگان پاسخ دهند. از این لحاظ، همان‌گونه که در مقاله عرضه شده به دومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، ضمن بررسی مسائل توسعه مطبوعات مستقل و کثرت‌گرا، یادآوری کردم، ما در طول چندین دهه، در زمینه مطبوعات دچار یک تضاد و تعارض خاص و به عبارت دقیق دچار یک

فارغ‌التحصیل در این حوزه نبودند و در هیچ دهه‌ای این تعداد تحقیق درباره ارتباطات و مطبوعات در ایران انجام نشده بود. ادامه می‌دهم سال ۷۳ را تا سال ۷۶ که در واقع خرداد ۷۶ به نظر من فقط نیم‌رادیولوژی بحران را نشان داد این طور نبود که ناگهان در دوم خرداد این تحول شکل بگیرد. تحول در سکوت سال‌های قبل در حال شکل‌گیری بود. ورود ما به عصر «تکثر» برای اولین بار صورت گرفت، تکثر بدون فحاشی. استادمان دکتر معتمدنژاد قبلاً گفتند که ما دوره‌های تکثر فحاش در سال ۱۳۳۲ و شهریور ۱۳۲۰ داشتیم اما در این مقطع وارد دوره تکثر بدون فحاشی شدیم. ما قبل از این دوره، نیز تحولات جالب دیگری داشته‌ایم. در طول تاریخ در دانشکده‌های ارتباطات، تجسم چنین دوره‌ای برایمان افسانه بود، دوره‌ای که در آن به مرحله‌ای برسیم که تیراژها به این اندازه بالا باشد. حتی تیراژهای بالا برای مطبوعاتی که شاید بتوان گفت از نظر سیاسی مطبوعات خنثی بودند. می‌بینید که جامعه چه قدر برای ورود به دوره تکثر آماده بوده است و ما الان وارد دهه جدیدی می‌شویم که به نظر من تحمل این تکثر در جامعه یکسان نیست و این یکی از بزرگترین بلاها و مصیبت‌هایی است که می‌تواند وضعیت دهه بعدی را تعیین کند. بسیاری از دولتمردان ما فرق بین تکثر و تعدد را نمی‌دانند.

مک کوئیل در کتاب تئوری‌های ارتباطات خود به وضوح می‌گوید که

«پارادوکس» بوده‌ایم. به این معنی که برخلاف کشورهای پیشرفته و آزادی‌گرا که توسعه مطبوعات آنها، با عوامل فرهنگی و اقتصادی رابطه مستقیم دارد و همزمان با افزایش باسوادان و بالارفتن قدرت خرید مردم برای استفاده از روزنامه، تعداد و تیراژ روزنامه‌ها هم ارتقاء پیدا کرده است، در ایران با وجود بالا بودن تعداد باسوادان در مقایسه با اکثر کشورهای در حال توسعه و نیز وضع اقتصادی مناسب‌تر جامعه از اغلب این کشورها، در دهه‌های اخیر، خوانندگان مطبوعات و تعداد نشریات دوره‌ای، محدود بوده است. در حالی که در کشورهایی مانند ترکیه و مصر، که از لحاظ تعداد جمعیت و وضع سوادآموزی شرایطی نزدیک به ایران دارند و از جهت اقتصادی، از کشور ما جلوتر نیستند، تعداد روزنامه‌ها و تیراژ آنها در دهه‌های اخیر بیشتر بوده است. بنابراین، علت وجود این تضاد و تعارض، به منطبق نبودن محتویات مطبوعات ایران در دهه‌های گذشته با خواست‌ها و نیازهای مردم و به بیان دیگر به عدم آزادی مطبوعات مربوط می‌شود. در رژیم سابق انتظار نمی‌رفت تیراژ روزنامه‌ها بالا باشد. اما تجربه اوایل پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که ما می‌توانیم روزنامه‌های میلیونی داشته باشیم. در هفته‌های اول پس از انقلاب ثابت شد که جامعه به خوبی آمادگی دارد که «پارادوکس» یادشده را از بین ببرد و بتواند از تعداد زیادی نشریه با تیراژهای



■ **دکتر نعیم بدیعی:**  
**مطبوعات به همان راهی رفتند که در اولین میزگرد مجله رسانه، بحث مطبوعات انتقادی مطرح شده بود و گفته بودیم که جاییش در جامعه ما خالی است.**

بالا برخوردار شود. با آن که تیراژ بزرگ‌ترین روزنامه رژیم گذشته از ۳۰۰ هزار نسخه تجاوز نمی‌کرد، این تیراژ در اوایل پیروزی انقلاب به بیش از یک میلیون رسیده بود. در سال‌های پس از جنگ تحمیلی و از دوم خرداد ۷۶، هم تعداد و تیراژهای روزنامه‌ها روبه افزایش گذاشت، اما تیراژ کل روزنامه‌های روزانه

معمولاً از یک میلیون تا یک میلیون و دوست هزار نسخه تجاوز نمی‌کرد. در صورتی که اکنون، بنا به گفته اخیر آقای خرم نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران در دفتر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو، تعداد نشریات ما به ۱۲۶۰ عنوان رسیده است. در حالی که در رژیم گذشته تعداد نشریات از ۱۵۰ تا ۱۶۰ نشریه بالاتر نرفته بود. بنابراین امروز چندین برابر رژیم گذشته، نشریه داریم. تیراژ کل روزنامه‌ها نیز طی سه سال گذشته به گفته ایشان به بیش از سه میلیون نسخه در روز رسیده است. در حال حاضر، حدود ۵۰ روزنامه، روزانه در ایران منتشر می‌شود که حدود ۳۰ روزنامه آن متعلق به تهران است. به این ترتیب، از نظر وضع مطبوعات، عقب‌ماندگی گذشته نسبت به ترکیه را جبران می‌کنیم. البته ممکن است کل تیراژ روزنامه‌های آنها هنوز از ما بالاتر باشد، اما تعداد و تیراژ روزنامه‌هایی که به صورت روزانه منتشر می‌کنیم، از آنها ممتازتر است. پس مشاهده می‌کنیم که برای اولین بار در دهه‌های اخیر، در ایران «پارادوکس» یادشده از بین می‌رود و در چنین شرایطی است که تکثر مطبوعاتی به خودنمایی پرداخته است. در کشورهای در حال توسعه شاید این یک نمونه استثنائی باشد که کشوری بتواند با چنین سرعتی در توسعه مطبوعات مستقل و کثرت‌گرا، موفقیت‌های چشم‌گیر بدست آورد.

دکتر فرقانی: نکات خیلی خوبی مطرح شد. حالا از اینجا به بعد به تحولاتی که در سال‌های گذشته صورت گرفته، بپردازیم. من چند نکته به‌نظم می‌رسد که به عنوان محورهای اصلی بیشتر قابل مطرح شدن است. یکی از مهم‌ترین تحولاتی که ما در مقایسه با ده سال پیش که نخستین شماره رسانه را تدارک می‌دیدیم، شاهدش هستیم همین بحث تکثر است که به خوبی به آن پرداخته شد. مفهوم آن روشن و تفاوتش با تعدد مشخص شد. چرا که خیلی وقت‌ها و خیلی جاها همان‌طور که اشاره کردند حتی

■ **خلاء مطبوعات متعدد در دوره جنگ عراق علیه ایران، از سال ۱۳۶۸ با ایجاد معاونت مطبوعاتی کم‌کم جبران شد و افراد بیشتری امکان انتشار روزنامه و مجله پیدا کردند و به این ترتیب، تحت‌تأثیر توسعه مطبوعات، برای روزنامه‌نگاری تسهیلات بیشتری فراهم شد.**

■ **در دوره اخیر، پژوهش‌ها نیز گسترش بیشتری پیدا کرد و این برای جوامعی مثل جامعه ما، که مشارکت در این زمینه‌ها کم است فرصت مغتنمی پدید آورد.**



■ دکتر محسنیان راز: ای کاش همان موقع، همه همصدا می‌گفتیم که بهتر است احزاب، کار احزاب را بکنند و مطبوعات هم کار مطبوعات را، تا این مشکلی که الان دچارش هستیم به وجود نمی‌آمد.

اگر این نقش را ایفا نمی‌کردند، آن مشکلات به وجود نمی‌آمد. ولی آنچه مسلم است نقش آفرینی مطبوعات در این دوره شاید در تاریخ مطبوعات ایران کم سابقه باشد. در واقع اگر مطبوعات را به نوعی سخنگوی گروه‌های مختلف اجتماعی و نمایندگان مردم بدانیم، جریان توسعه تقریباً از این منظر، مردم سالار شده است. یعنی این نخبگان هستند که از طریق حضور در مطبوعات حرف زدند، اظهار نظر کردند، عرصه‌های مختلف را نقد کردند و تا حدود زیادی تحولات را جهت دادند و محتوای آن را تعیین کردند. قبل از اینکه به دیگر تحولات برسیم، من فکر می‌کنم اگر در این زمینه دیدگاه‌های اساتید را بشنویم خیلی مفید است. در واقع ایفای نقش سیاسی توسط مطبوعات هم دستاوردهای مثبت داشته و هم کم‌وبیش به خاطر کم‌تجربگی در این عرصه از یک سو و نیز پاره‌ای ملاحظات سیاسی -

که مطبوعات و عمدتاً روزنامه‌های پرتیراژ بیشتر دنباله‌رو، سخنگو و بازتاباننده بوده‌اند و خودشان تأثیرگذار بر روند تغییرات نبوده‌اند. آن چیزی که در چند سال اخیر اتفاق افتاده، تحول این نقش و انتقال آن از دولتمردان و حکومت به مطبوعات بوده است. در واقع اکنون در بسیاری موارد، این مطبوعات هستند که روند تحولات را جهت می‌دهند، مطبوعات هستند که محتوای تحولات را شکل می‌دهند و حتی در بسیاری موارد، دولتمردان ما در واقع از مطبوعات کم‌وبیش ایده می‌گیرند. این تحول، تحول بسیار مثبتی است گرچه این تحول خود عوارضی را هم کم‌وبیش به دنبال داشته است. از آنجا که گروهی از روزنامه‌نگاران ماکه پس از دوم خرداد به کار روزنامه‌نگاری روی آوردند، خودشان مردان و بازیگران سیاسی هستند، در واقع بیشتر از آنکه به عنوان ناظر، سیاست را تعقیب و رصد کنند، گاهی به عنوان یک‌پای سیاست یا ذی‌نفع در مسایل سیاسی یا بازیگر و عنصر سیاسی وارد عمل می‌شوند و خودبه‌خود آثار این حضور مستقیم - نه نظارت از بالا - در عرصه سیاست باعث می‌شود که مطبوعات تاوان تموج‌ها، درگیری‌های سیاسی و جنگ قدرت جناح‌های سیاسی را هم بدهند. یعنی به عنوان یک حزب سیاسی یا نیروی سیاسی در جامعه خیلی وقت‌ها مشکلاتی برایشان پیش می‌آید که

برخی دولتمردان ما تعدد را با تکثر یکی می‌دانند در حالی که این‌گونه نیست. ممکن است روزنامه‌ها و نشریات زیادی داشته باشیم اما شاید نتوانند نیاز گروه‌های مختلف اجتماعی را برآورده و صداهای موجود در جامعه را نمایندگی کنند چون مبنای تکثر این است که مطبوعات بتوانند بازگو کننده صداهای مختلف را منعکس کنند و صدایی در جامعه نباشد که نماینده و سخنگویی نداشته باشد. به خصوص اقلیت‌های قومی، نژادی، مذهبی، سیاسی و گروه‌های مختلف. در واقع معیار تکثر این است که نشریاتی که منتشر می‌شوند بتوانند بازگو کننده صدای گروه‌های مختلف بوده و جامعه و مطبوعات چندصدایی باشد. همان‌طور که دکتر محسنیان راز اشاره کردند در گذشته بیشتر مطبوعات همصدایی می‌کردند. به همین دلیل می‌خواهم به تحول دومی اشاره کنم و آن نقشی است که مطبوعات در سال‌های اخیر به عنوان «عامل تغییر»، ایفا کردند. من بحث‌های میزگرد شماره اول رسانه را که نگاه می‌کردم، دیدم در آنجا مرحوم دکتر اسدی به نکته‌ای اشاره کرده‌اند که همان نکته می‌تواند مبنای بحث امروز ما هم باشد و آن این بود که اصولاً نظام ارتباط جمعی ما - که در اینجا بحث ما مطبوعات است - تاکنون نتوانسته در تحولات اجتماعی نقش مثبت و مؤثری ایفا کند و در این زمینه سهمی نداشته است. به بیان دیگر می‌توان گفت

■ ۴۰ شماره منتشر شده این مجله، اکنون، از منابع بسیار مهم و معتبر مطالعات و تحقیقات مطبوعاتی و سایر زمینه‌های ارتباطی در زبان فارسی محسوب می‌شود.

■ ما تا سال ۶۹ مجله تخصصی که بتواند مسائل ارتباطات را مطرح کند نداشتیم. در دوره‌های گذشته، نشریه تحقیقات روزنامه‌نگاری منتشر می‌شد که متوقف شد.

■ رسانه از افتتاح تاکنون مسیر تکاملی را طی کرده است.

■ در طول هیچ دهه‌ای در تاریخ مطبوعات ایران، تعداد کتابی که در این دهه درباره مقوله ارتباطات منتشر شد، منتشر نشده بود.

اجتماعی از قبیل پایین بودن آستانه تحمل از سوی دیگر، نقاط ضعفی وجود داشته است. ابتدا باید دید که مطبوعات چقدر نقش آفرین بوده‌اند، چقدر عامل تحول بوده‌اند تا دنباله‌رو. اگر مطبوعات آغازدهه اخیر را نگاه کنیم می‌بینیم که مطبوعات اگر هم قدرت را نقد می‌کردند، آنچنان که باید مثل امروز، این نقد تأثیرگذار و نقش آفرین و در عین حال اساسی و زیربنایی نبوده و عمدتاً نقدها، در برخی موارد سطحی و درباره موضوعات محدود و پیش پا افتاده اجتماعی بوده است و به قدرت و عرصه‌های قدرت و محتوای روابط قدرت چندان توجهی نداشته است. این تحول از ابعاد مختلف قابل بررسی است که اگر موافق باشید در این زمینه بحث را ادامه دهیم.

دکتر نعیم بدیعی: من فکر می‌کنم آنچه که در دوم خرداد ۷۶ خود را نشان داد، انتقادهای و صحبت‌هایی بود که قبلاً هم وجود داشت. با بررسی که روی سخنان مقامات در سال ۷۶ انجام دادم و مقایسه آن با سال ۶۷ و ۶۸، در واقع بحث آزادی در کشور همواره مطرح بوده و مشکلاتی که مطبوعات با حکومت داشتند از سالیان دراز وجود داشته، در دوره بعد از زمان جنگ و قبل از دوم خرداد ۷۶، بیشتر تأکید بر توسعه و سازندگی خرابی‌ها و مسائل اقتصادی بود و گفتمان اقتصادی حاکم بود ولی این گفتمان، گفتمان حاکم و دولتی بود، گفتمان نهان در جامعه و گفتمانی که مردم در آن شرکت داشتند، بحث آزادی‌ها، حقوق و کرامت انسانی و صحبت‌های دیگری بود که در حقیقت در انتخابات ۷۶ توسط آقای خاتمی این مسائل مطرح شد و مردم در دوم خرداد این احساس را داشتند که حرف‌هایی که زده می‌شود، حرف‌هایی است که خودشان می‌خواهند بزنند. خوب، این فضایی که به وجود آمد دیگر فضایی نیست که بشود آن را با دوره‌های پیش از آن مقایسه کرد. برای اولین بار بود که در آن مقطع مردم به حقوق خود آشنا شدند و در امور مملکت

■ ورود به دهه جدید بدون تحول و تکثر می‌تواند بحران‌زا باشد و اینجاست که این طرف قضیه هم مشکل داریم. مطبوعاتی که پس از ۱۶۰ سال وارد دوره تکثر می‌شوند این وادی را بلد نیستند.

■ ما در طول چندین دهه، در زمینه مطبوعات دچار یک تضاد و تعارض خاص و به عبارت دقیق دچار یک «پارادوکس» بوده‌ایم.

■ تجربه اوایل پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که ما می‌توانیم روزنامه‌های میلیونی داشته باشیم.

مشارکت کردند. در واقع وضع به گونه‌ای پیش رفت که بحث آزادی مطبوعات به وجود آمد و طبیعتاً هرگاه چنین فضایی پیش می‌آید یک سوءاستفاده‌هایی نیز کم‌وبیش صورت می‌گیرد که نمونه‌هایی داشتیم در دادگاه‌های مطبوعات، اما این خود تحولی است که حداقل در ۴۰-۵۰ سال گذشته در مطبوعات ایران بی‌نظیر بوده است و اینها زمینه را فراهم می‌کند تا مطبوعات بتوانند کاری را که باید انجام دهند، به درستی انجام دهند و مطبوعات انتقادی که در دوره‌های قبل، زمینه‌های دیگری را تحت نظر داشتند، با آشکار شدن گفتمان جدید، مسائل مهم جامعه را مطرح کردند، و از بیان مسائل شهرداری و آسفالت‌سازی خیابان و این‌گونه امور فراتر رفتند. مطبوعات به همان راهی رفتند که در اولین میزگرد مجله رسانه، بحث مطبوعات انتقادی مطرح شده بود و گفته بودیم که جایش در جامعه ما خالی است. به نظر می‌رسد که اکنون مطبوعات انتقادی جای خود را در جامعه باز کرده است و اکنون در این فضا فعالیت می‌کنیم. به هر حال تجربه‌ای است که دارد انجام می‌گیرد و طبیعتاً کاستی‌هایی نیز به همراه دارد که باید مشکلات آن در دهه بعد برطرف شود و از این مشکلات و انتقاداتی که هست، کاسته شود. به هر حال من فکر می‌کنم که فضای جدیدی ایجاد شده و از این فضا باید خوب استفاده کرد ولی سوءاستفاده‌ها را که به فعالیت مطبوعات لطمه می‌زند، باید تحت کنترل قرار داد تا

ماهیت اصلی از بین نرود.

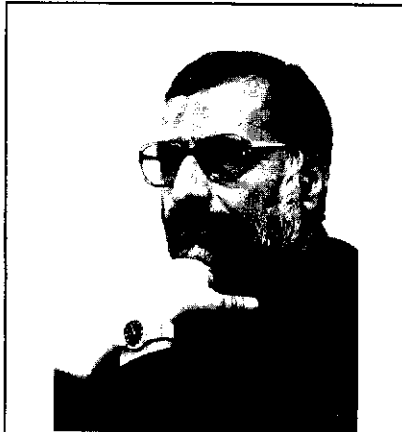
دکتر فرقانی: در ادامه بحث می‌توان بحث استقلال مطبوعات از حکومت و دولت را نیز مطرح کرد. این استقلال در واقع تحول مهمی است که در این دوره اتفاق افتاده و باید پذیرفت که در داخل کشور مطبوعاتی منتشر شوند که حتی در شرایطی که بعضی کمک‌های مستقیم یا غیرمستقیم دولتی را دریافت می‌کنند، اما بتوانند مستقل از حوزه دولت عمل کنند. البته شاید جای این بحث در حوزه انتقاد باشد.

دکتر معتمدنژاد: من فکر می‌کنم که در سه سال اخیر پدیده جدیدی در ایران - تا آنجا که من اطلاع دارم - اتفاق افتاده و آن نقش مطبوعات در ایجاد یک «فضای عمومی» سالم است. اگر کشورهای انقلابی معاصر و تجربیات انقلاب‌های گوناگون روسیه، چین و کوبا را در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که در ایران در سال‌های اخیر پس از پیروزی انقلاب، به کمک مطبوعات، یک فضای عمومی سالم آرمانی در حال شکل گرفتن است که در کشورهای دیگر سابقه نداشته است. در این جا بی‌مناسبت نیست، به پیش‌ترجیح تحقیقی که در بهار سال ۶۹ به مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها ارائه کردیم و ضمن آن بررسی درباره شرایط ایجاد فضای عمومی مطلوب برای فعالیت‌های مطبوعاتی مطرح شده بود، اشاره کنم. خوشبختانه در آن زمان در سال ۶۹ که آقای خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد



اسلامی بودند و آقای امین زاده معاونت مطبوعاتی را به عهده داشتند، عملاً به سبب کمک به انتشار نشریات جدید، شرایطی ایجاد شده بود که به شکل گرفتن این فضای مطلوب فعالیت مطبوعاتی کمک می کرد. اما با استعفای آقای خاتمی و پیدایش شرایط دیگر، آن فضا تا چندسال بهبود زیادی پیدا نکرد تا دوباره که جریان انتخابات دوم خرداد ۷۶ پیش آمد، روندی که قبلاً شروع شده بود، از سر گرفته شد و با سرعت و عمق بیشتری جلو رفت در نتیجه، با ایجاد شرایط بهتر، مطبوعات فراوان تر و مستقل تری پدید آمدند، که در برنامه های توسعه سیاسی دولت جدید برخی از آنها نقش احزاب سیاسی را نیز عهده دار شدند.

در شرایطی که احزاب و جمعیت های خاص سیاسی وجود نداشتند، ما یک تجربه خاص، تاریخی در مورد فضای عمومی مطلوب را که در قرن هجدهم در اروپا اتفاق افتاده بود، به طور آرام و سریع به کمک مطبوعات جدید انجام دادیم. بر اثر تجربه مذکور، تضاد و تعارض یا «پارادوکسی» که پیش از آن وجود داشت - تعداد باسوادان بالا و تیراژها پایین - تا حدود زیادی از بین رفت. از یک طرف، تعداد نشریات زیاد شد و از طرف دیگر، تیراژ مطبوعات و شمار خوانندگان نیز افزایش یافت. و این امر در فضای عمومی جامعه تأثیر گذاشت در هیچ کشور انقلابی معاصر تاکنون چنین چیزی سابقه نداشته است. کشورهای اروپای شرقی را که بررسی می کنیم می بینیم که در این کشورها، از لحاظ سیاسی فضای عمومی بالقوه ای که زیرزمین وجود داشت با فضای عمومی کاذبی که دولت ایجاد کرده بود و فضایی تصنعی بود، تفاوت داشت به همین جهت تا زمانی که نظام های کمونیستی کشورهای مذکور وجود داشتند، فضای عمومی عوض نشد. در صورتی که ما با حفظ نظام انقلابی موجود، نظیر آنچه که در اروپای قرن هجدهم اتفاق افتاد، توانسته ایم فضای



■ دکتر خانیکئی: نسبت بین مطبوعات و توسعه سیاسی و نسبت بین مطبوعات و توسعه فرهنگی، در ابتدای این دهه که به آن می پردازیم، جزو بحث های نظری ما بود که در نشست ها و سمینارهای علمی توسعه سیاسی و فرهنگی مورد بحث قرار می گرفت.

عمومی سالمی به کمک مطبوعات ایجاد کنیم.

به سبب اهمیت این پدیده و نقش مطبوعات در ایجاد فضای عمومی که باید آن را مورد بررسی دقیق قرار دهیم. چون آقای خانیکئی در این زمینه کار کرده اند، بهتر است از نظرات ایشان نیز استفاده کنیم.

دکتر محسنیان راد: من می خواستم توضیحی در این زمینه بدهم. اولاً آقای خانیکئی جزو بنیانگذاران مجله رسانه بودند و حتماً شنیدن تجربیات ایشان در شکل گیری مجله در آن دوره برای ما مفید است و حیثیت است که الان ما این تجربیات را از دست بدهیم. من دو نکته درباره آنچه که فرمودید، می خواستم بگویم. ابتدا سخنی بود درباره مرحوم دکتر علی اسدی. دکتر اسدی ده سال پیش در شماره اول، دل نگران بود که مطبوعات همواره در ایران دنباله رو بوده اند تا اینکه

نقش آفرین در تحولات باشند. اتفاقاً این بحثی که مطرح کردید باعث شد که ما به یکی از ویژگی های مهم دیگر نگاه کنیم. من تصور می کنم یک رابطه متقابل میان تکثر و نقش آفرینی وجود داشته باشد. یعنی وقتی تعدد باشد بدیهی است که این هم صدایان در اوج به عناصر پروپاگاندا تبدیل خواهند شد. اینها با هم موجی را برای آن «تحرك» ایجاد می کنند. اما این نمی تواند نقش تأثیرگذاری در تحولات اجتماعی داشته باشد و همان دنباله روی است وقتی تکثر شکل گرفت، این دنباله روی دیگر اجرا نخواهد شد.

تحقیقی در سال ۷۶ با وسعت بالایی در ۴۰۰ شهر و روستای سراسر کشور انجام شد که نقش بسیار مهمی در آن تحقیق دیده شد. قبل از این اشاره ای بکنم که اگر به یاد داشته باشید مطالعات نظرسنجی ۳۰ روز قبل از انتخابات دوم خرداد به هیچ وجه نتایج را آن گونه نشان نمی داد و هرچه اتفاق افتاد در آن ۳۰ روز بود که شکل گیری افکار عمومی به وجود آمد. آن تحقیق که عرض کردم، نشان داد که تصمیم گیری مردم در رأی تا حدود زیادی تابع ارتباطات میان رفتاری بوده است تا تابع رادیو، تلویزیون یا به طور مستقیم مطبوعات، آن تحقیق نشان داد که منبع محتوای ارتباطات میان فردی، مطبوعات بود. یعنی نگوییم نخبگان، بگوییم رهبران عقاید و رهبران افکار عمومی که در هر خانواده ای وقتی یک نفر حرف می زند همه گوش کنند. آنها به شدت تحت تأثیر محتوای مطبوعات قرار گرفتند. در واقع آنچه که فرمودید، اتفاق افتاد و مطبوعات توانستند عمل دنباله روی را کنار بگذارند و تأثیرگذاری کنند. اما نکته دوم، به نظر من یک سوء تفاهمی ایجاد شد که در بخشی از آن ما مقصریم. من یادم می آید که سال ۷۵ بود که از بعضی دوستان می شنیدیم که مطبوعات آن قدر مهم شده اند که کارکرد احزاب را انجام می دهند و این باعث خوشحالی بود که مطبوعات جای خالی احزاب را پر می کنند. اما این اتفاق چندان



■ دکتر فرقانی: در واقع اکنون در بسیاری موارد، این مطبوعات هستند که روند تحولات را جهت می‌دهند، مطبوعات هستند که محتوای تحولات را شکل می‌دهند و حتی در بسیاری موارد، دولتمردان ما در واقع از مطبوعات کم‌وبیش ایده می‌گیرند.

سیاسی حضور دارند و به همین دلیل با تب‌وتاب تحولات سیاسی، کم‌وبیش روزنامه آنها و نوشته‌هایشان تحت تأثیر قرار می‌گیرد و در نتیجه آسیب‌پذیری‌ها بیشتر می‌شود. ضمن اینکه حضور این نیروها در مطبوعات مغتنم است و می‌تواند فضا را بسیار پرنشاط و پرتحرک کند اما باید برای این موضوع فکری کرد. این که روزنامه‌نگاران خودشان مستقیماً درگیر سیاست باشند یا اینکه فرصت داشته باشند - با فاصله - بر سیاست نظارت و آن را نقد کنند. البته شاید در دوره گذار، چنین امری طبیعی باشد.

آن بتوان ارزیابی کرد، همان ارتقای جایگاه و نقش مطبوعات در کشور ما باشد. تأثیرگذاری اجتماعی مطبوعات در این دوره یک روند روبه‌جلو هم داشته و همچنین استثنائی از نظر حداجتماعی آن نسبت به دوره‌های پیش وجود داشته است. من نمی‌خواهم که این را صرفاً به نقش مطبوعات محدود کنم. من هم مثل آقای دکتر محسنیان‌راد تمایل دارم که یک برخورد جامعه‌شناسانه هم بکنیم. یعنی عوامل دیگری هم در جامعه ما اتفاق افتاده که باید همه اینها را کنار هم بگذاریم و گرنه ممکن است که فکر کنیم این مطبوعات

■ با آن که تیراژ بزرگ‌ترین روزنامه رژیم گذشته از ۳۰۰ هزار نسخه تجاوز نمی‌کرد، این تیراژ در اوایل پیروزی انقلاب به بیش از یک میلیون رسیده بود.

■ تعداد نشریات ما به ۱۲۶۰ عنوان رسیده است. در حالی که در رژیم گذشته تعداد نشریات از ۱۵۰ تا ۱۶۰ نشریه بالاتر نرفته بود.

■ در کشورهای در حال توسعه شاید این یک نمونه استثنائی باشد که کشوری بتواند با چنین سرعتی در توسعه مطبوعات مستقل و کثرت‌گرا، موفقیت‌های چشم‌گیر بدست آورد.

دکتر خانیکی: من خیلی خوشحالم که برای اولین بار این امکان فراهم آمده که جمعی ده‌سال پیش بنشینند و درباره مسائل صحبت بکنند و ده‌سال پس از آن، حرف‌های گذشته خود را ارزیابی کنند و ببینند تا چه اندازه آن حرف‌ها و انتظارات محقق شده و چه عوامل و موانعی برای عدم تحقق برخی مسائل وجود داشته است. گرچه جای آن دو بزرگوار - مرحوم دکتر اسدی مرحوم حسین‌زاده - خالی است ولی نفس این کار یک حرکت سنجیده و راهبردی است که هم اندیشه‌ها را ارزیابی می‌کند و هم عملکردها را. فکر می‌کنم یک حسن دیگری که حداقل برای خود من دارد این است که با یک مصاحبه باز مواجه می‌شویم، بدون اینکه سؤال‌ها از قبل مشخص شده باشد و به همین دلیل جای نقد و بحث را باز می‌گذارد. فکر می‌کنم اتفاق مهمی که در این ده ساله افتاده و شاید همه مسائل دیگر را در ذیل

هستند که به تنهایی یک ارتقای کیفی یا بهبود شاخص‌های کمی را به وجود آوردند. به نظر من، مطبوعات را، هم باید زاینده این شرایط دانست و هم یکی از عوامل مؤثر در پیدایش این شرایط. مثلاً انقلاب جمعیتی و جوان شدن جمعیت در کشور ما، رشد شهرنشینی، رشد سوادآموزی، رشد آموزش و به خصوص آموزش عالی، گسترش ارتباطات، افزایش سطح مشارکت در جامعه - اعم از مشارکت اجتماعی یا سیاسی - همه عواملی هستند که در کنار نهاد مطبوعات در سال‌های اخیر مؤثر بوده‌اند. حتی اگر بخواهیم اینها را در هم ادغام بکنیم، همان اتفاقی که در مورد جامعه مدنی افتاده در مورد ارتباطات و مطبوعات نیز روی داده است. یعنی جامعه مدنی به عنوان یک مقوله نظری در دانشگاه‌ها و محافل تحقیقاتی به یک پدیده مبتلا به اجتماعی تبدیل شده که همه، درباره آن به بحث و

نیز خوشایند نبوده است، ای کاش همان موقع، همه همصدا می‌گفتیم که بهتر است احزاب، کار احزاب را بکنند و مطبوعات هم کار مطبوعات را، تا این مشکلی که الان دچارش هستیم به وجود نمی‌آمد. اما آن نکته‌ای که شما درباره مردان سیاسی یا روزنامه‌نگاران فرمودید؛ به نظر من این‌گونه است که کسانی که الان کار روزنامه‌نگاری می‌کنند به آن معنا مردان سیاسی نیستند، چون می‌خواهند دو نقش را با هم ایفا کنند، بنابراین روزنامه‌نگار هم نخواهند بود و یکی از آسیب‌هایی که در پیش است وجود این نقش دوگانه - سیاسی بودن و روزنامه‌نگار بودن - است که می‌تواند دهه بعدی را در آغاز دچار مشکل کند.

دکتر فرقانی: برخی از روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران به جای این که ناظر بر عملکرد جریان سیاسی باشند و آن را نقد و کنترل کنند، خود به عنوان بازیگر

گفت‌وگو نشسته‌اند. ممکن است یک عارضه آن این باشد که بحث، عوام‌زده شده و یا بحث پی‌گیری شده و اشکال و مصداق‌های پیاده‌شدن آن دنبال شود. در مورد نهاد مطبوعات هم هنوز مسأله قابل مشاهده است. نسبت بین مطبوعات و توسعه سیاسی و نسبت بین مطبوعات و توسعه فرهنگی، در ابتدای این دهه که به آن می‌پردازیم، جزو بحث‌های نظری ما بود که در نشست‌ها و سمینارهای علمی توسعه سیاسی و فرهنگی مورد بحث قرار می‌گرفت اما از یک دوره‌ای به‌خصوص در آستانه هفتمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری و پس از آن، بحث نسبت بین مطبوعات - به‌طور خاص - یا ارتباطات یا توسعه سیاسی یک بحث

گذشته ما جوابگو بود، این نظریه بود که مطبوعات جایگزین احزاب هم در جامعه باشند و این به دلیل ضعف و فقدان نهادهای مدنی بود. الان خود من در این باره تردید دارم. یکی از دلایلی هم این است که فرایند تأثیرگذاری در جامعه، مثل گذشته نیست. چون احزاب هم متحول شده‌اند. در نتیجه این دو را حداقل در شکل جدیدش باید مقایسه بکنیم؛ احزاب در گذشته به دلیل نفوذ سازمان‌های حزبی شان می‌توانستند مؤثر باشند ولی الان احزاب نه تنها در جهان بلکه در جامعه امروز ما هم براساس قدرت، تصمیم‌گیری و پیوند با نیازهای جامعه می‌توانند تأثیرگذار باشند. احزابی که ممکن است از نظر شکل سازمانی کاملاً

■ آنچه مسلم است نقش آفرینی مطبوعات در این دوره شاید در تاریخ مطبوعات ایران کم‌سابقه باشد.

■ مردم در دوم خرداد این احساس را داشتند که حرف‌هایی که زده می‌شود، حرف‌هایی است که خودشان می‌خواهند بزنند.

■ به رسمیت شناختن پدیده‌ای به اسم «افکار عمومی» و تلاش برای شناختن آنکه چیست، چه مشخصه‌ها و سمت‌وسوهای دارد، همه از جمله مسائلی است که ما ظرف دو - سه سال اخیر به آن توجه بیشتری کرده‌ایم.

جدی و مقبولی در سطح جامعه و یا حتی سطوح دستگاه‌های اجرایی جامعه شده است. به رسمیت شناختن پدیده‌ای به اسم «افکار عمومی» و تلاش برای شناختن آنکه چیست، چه مشخصه‌ها و سمت‌وسوهای دارد، همه از جمله مسائلی است که ما ظرف دو - سه سال اخیر به آن توجه بیشتری کرده‌ایم؛ مثلاً تعیین حدانتظار از مطبوعات و حد تأثیرگذاری که آیا اینها بزرگترین عامل هستند یا عامل دست‌چندم هستند، جایگزین احزاب هستند، خود احزاب هستند یا تأثیرگذار بر احزاب هستند، کما اینکه من خود فکر می‌کردم یکی از معمول‌ترین نظریه‌هایی که در شرایط

شکل فضایی یا سبیرنتیکی هم داشته باشند در نتیجه این نوع احزاب و این نوع مطبوعات قربت‌های تازه‌ای پیدا می‌کنند که دیگر نمی‌توان مثل گذشته این بحث را کرد که چون حزب نیست، افراد در مطبوعات حرف حزبی می‌زنند. به‌نظر من یکی از عوامل تحولی که در مطبوعات اتفاق افتاده، ضرورت‌های خاص جامعه ماست. ما در فرایند توسعه الزام‌ها و تداخل‌هایی داریم که جوامع دیگر این الزام‌ها و تداخل‌ها را در طول تاریخ گذرانده‌اند ولی ما در این شرایط محدود، به صورت فشرده از این شرایط گذر می‌کنیم. یکی از آنها همین نقش توسعه‌ای دولت است. یعنی ایفای نقش توسعه‌ای دولت علی‌رغم بسیاری از موانع

و عوامل تاریخی. در کشورهای نظیر کشور ما نقش شروع‌کننده دولت در امر توسعه مطبوعات، خود منجر به رشد نهادهای مدنی می‌شود که در عمل نقش نظارتی و کنترل را بر دولت و قدرت افزایش می‌دهد اما شروع‌کننده دولت است. در اینجا ما مجموعه‌ای از وظایف و نقش‌های سازمان نیافته داریم که شاید حتی افرادی که نقش‌های مختلف را در آن ایفا می‌کنند، در شکل ایده‌آلش - همان نکته‌ای که دکتر محسنیان‌راد اشاره کردند - تبدیل می‌شوند به سیاستمدار، روزنامه‌نگار و دولتمرد. در واقع سه نقش دارند اما در یک شرایط فشرده. می‌بینیم که سیاستمدار، دولتمرد و روزنامه‌نگار یک نقش را ایفا می‌کنند و اتفاقاً شاید یکی از نیازهای امروز جامعه ما همین باشد که این افراد بتوانند تلفیقی بکنند در عرصه این حوزه‌ها.

یک واقعیت در شرایط امروز جامعه هست که ما طیف مشاوران و نقش‌هایمان با هم تلفیق شده، در حالی که در یک جامعه توسعه یافته همه اینها از هم تفکیک می‌شود و نهاد مدنی از نهاد دولتی و اجرایی جداست.

دکتر محسنیان‌راد: ما قطعاً هیچ کدامان مخالف مطبوعات حزبی نیستیم. روزنامه‌نگاری هم که از کلاس شما فارغ‌التحصیل می‌شود و در نشریه‌ای حزبی استخدام می‌شود، تکلیفش از اول مشخص است یعنی با گرایش آن حزب در آنجا مشغول به کار می‌شود. خواننده‌ای هم که روزنامه حزبی را می‌خرد می‌داند که چه روزنامه‌ای را و با چه توقعاتی می‌خرد. مشکلی که الان داریم این است که این موضوع روشن نیست. من می‌گویم وجود مطبوعات حزبی در جامعه‌ای که تکثر وجود دارد، یک ضرورت است اما امروزه خلایبی شکل گرفته و مطبوعات حرفه‌ای و مطبوعات حزبی برهم منطبق شده‌اند و این تلفیق همزمان نیاز به یک تفکیک اساسی دارد تا هم مطبوعات حرفه‌ای فعال باشند و هم مطبوعات حزبی. □